



مسئول اجرایی دفتر سیاسی حزب اتحادیه میهنی در گفت‌وگو با «شرق»:

به حل مشکل با بغداد امیدوار هستیم

کنشستی با حضور حزب شما، اتحادیه میهنی و حزب دموکرات (پارتی) در اربیل درخصوص موضوع همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان برگزار شد و همین‌طور هیتی از اقلیم برای بررسی این موضوع به بغداد سفر کرد. می‌توانید بگویید نظر بغداد دراین‌باره چیست؟

نتیجه سفر هیئت کردستانی به بغداد خوب بود. قبل از سفر هیئت کُردی، بازخورد‌ها در بغداد منفی و علیه ما بود، اما پس از رفتن هیئت اقلیم به بغداد، فضا آرام شده است و آنها وعده داده‌اند که راه‌حلی برای این‌ موضوع پیدا کنند. البته هیئت کردی در بغداد هیچ تصمیمی برای پایین‌کشیدن پرچم اقلیم کردستان در کرکوک نگرفته است. نکته مهم این است که بعد از رفتن هیئت کردی به بغداد، گفت‌وگوی ما با دولت مرکزی درخصوص اجرایی‌کردن موضوع ماده ۱۴۰ بهتر انجام می‌شود، اما هنوز مشکلات مابین اقلیم کردستان و بغداد بدون راه‌حل باقی مانده است.

کدر جنگ با داعش، برخی مناطق از سوی نیروهای پیشمرگه از تصرف داعش آزاد شدند و به کنترل نیروهای پیشمرگه درآمدند که این نواحی به نام مناطق مورد مناقشه اقلیم با دولت مرکزی معروف هستند. آیا شما از این مناطق عقب‌نشینی می‌کنید یا برنامه دیگری دارید؟

ما جنگجوی اجاره‌ای نیستیم که هر زمان منطقه‌ای از عراق تصرف شد، آن را آزاد کنیم و بعداً آن را تسلیم دولت کنیم. ما برای پول و حقوق به کرکوک و خانقین ... نرفته‌ایم. ما مانند بخشی از اقلیم کردستان به



سرمایه‌گذاران نگران ترکیه پس از همه‌پرسی

سرمایه‌گذاری و اصلاحات مالیاتی و قضائی است.»

به گفته او، تغییرات یادشده ترکیه را در روندی قرار می‌دهد که به‌موجب آن بتواند سالانه شش درصد رشد داشته باشد. اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۱۶ به دلایل کودتای شکست‌خورده و شرایط متشنج سیاسی ۲٫۹ درصد رشد داشت.

مؤسسات بین‌المللی انتظار دارند رشد اقتصادی ترکیه در سال جاری میلادی حداکثر به ۲٫۶ درصد برسد. «ولیم جکسون»، از کایناتل اکونومیست در لندن می‌گوید: «برخی از ادارات دولتی از بهبود امور بعد از برگزاری رفراندوم می‌گویند و معتقدند که سرمایه‌گذاران برمی‌گردند و اصلاحات ساختاری شروع خواهد شد، اما ما قبلاً هم ایس حرف‌ها را شنیده بودیم.»

او می‌افزاید: «درحال‌حاضر چشم‌اندازی برای تحقق این وعده‌ها دیده نمی‌شود. حداقل در شش

یا هفت سال آینده. من به اینها خوش‌بین نیستم.»



این مناطق نگاه می‌کنیم و چون ارتش عراق و نیروهای امنیتی نتوانستند از این مناطق دفاع کنند، به این مناطق آمدیم. ما چهار سال قبل از ظهور داعش به کرکوک آمدیم. خب در آن زمان ارتش عراق و نیروهای امنیتی هنوز شکست نخورده بودند، اما توانایی کنترل و برقراری امنیت در کرکوک را نداشتند، بنابراین به این مناطق آمدیم تا از آن محافظت کنیم. واقعیت این است که با آمدن داعش و پس از آن که هیمنه ارتش عراق در موصل، الانبار، فلوجه و... شکسته شد، پیشمرگه‌ها در هیچ منطقه‌ای شکست نخوردند و به حراست از مناطق مختلف پرداختند.

کشما رویکرد ایران و ترکیه در مورد موضوع استقلال را چگونه می‌بینید و به نظر شما این دو کشور چگونه با این مسئله تعامل می‌کنند؟

بی‌گمان سیاست رسمی این دو کشور این است که موافق استقلال اقلیم کردستان نیستند، اما واکنش ترسناکی هم در برابر استقلال اقلیم به آن انداز‌ه‌ای که همه فکر می‌کنند دارند و همچنین اینکه زمینه برای گفت‌وگو با آنها نباشد هم دور از واقعیت است. زمینه گفت‌وگو دراین‌خصوص با این دو کشور زیاد است. از سال ۱۹۲۳ تا به امروز و در همه تاریخ سیاسی عراق، کُردهای عراق تا به این اندازه نتوانسته‌اند در مورد استقلال با بغداد صحبت کنند و ما مدام هم این سیاست را تکرار می‌کنیم. واکنش ایران و ترکیه اگر با سده گذشته و بعد از جنگ اول و جنگ دوم جهانی و جنگ سرد برآورد شود، نسبت به آن دوران کمتر شده است و آنها دراین‌باره که آیا استقلال خوب یا بد است با ما گفت‌وگو می‌کنند و خطرات این تصمیم را به ما می‌گویند، یعنی دراین‌باره دیالوگ وجود دارد. الان در منطقه دیالوگ جای درگیری را گرفته و این موضوع بسیار مهمی است.

کدر مورد برافراشتن پرچم اقلیم در کرکوک چطور؟ ایران و ترکیه چه نظری دارند؟

در مورد پرچم هم، همین مسئله است. ایران با ما گفت‌وگو کرد و واکنش تهران تند نبود، بلکه واکنش مسئولانه‌ای بود و در قیاس با ترکیه، واکنش نرمی بود. حتی در قیاس با برخی احزاب ترکمانی و برخی در بغداد، واکنش ایران نرم‌تر بود. این مایه دلخوشی ماست. مقامات ایرانی با ما در مورد پرچم گفت‌وگو کرده‌اند و برایشان روشن کردیم که دلیل این اقدام چه بوده است و دراین‌باره ایران، هم با آقای مسعود بارزانی و هم با دو حزب اصلی اتحادیه میهنی و پارت‌دموکرات گفت‌وگو کرده است.

نگران دموکراسی ترکیه نباشید

طه خلیفه: دموکراسی ترکیه مراحل رشد خود را سپری کرده و نباید نگران آینده آن بود. ملتی که در برابر تانک‌های کودتاگران سینه سپر کرد و با قهرمانی بر مبنای اعتقاد خود به داشتن حکومتی غیرنظامی و دموکراتیک آن را ناکام گذاشت، قادر است بدون توجه به بحث‌های خارجی سرنوشت خود را تعیین کند. ترکیه جمهوری موز نیست که یک فرد بتواند چیزی را بر مردم این کشور باوجود خواسته‌شان تحمیل کند یا از چیزی که با آن موافق هستند باز دارد. در پرتو آزادی‌هایی که در ترکیه وجود دارد مردم می‌توانند آن چیزی را که به نفع‌شان است انتخاب کرده و آن چیزی را که نمی‌خواهند رد کنند. همان کاری که بریتانیایی‌ها سال گذشته کردند. آنها در یک همه‌پرسی عمومی بدون دخالت هیچ فردی از خارج با هدایت این فرراندوم از آن سوی مرزها به صورتی آزاد پای صندوق‌های رأی رفتند و خواستار خروج از اتحادیه اروپا شدند. ازاین‌رو دموکرات‌بودن حکومت‌هایی که نسبت به همه‌پرسی ترکیه ناخرسند هستند روشن نیست.

آنها به‌شدت با تغییرات قانون اساسی این کشور مخالف بوده و نسبت به نظام ریاستی احساس خطر می‌کنند. دلایل و توجیهاتی که آنها برای خود می‌آورند شایسته نظام‌های دموکراتیک نیست زیرا شعور و آگاهی مردم ترکیه را تحقیر می‌کنند. جمهوری ترکیه به دست مصطفی کمال اتاتورک در ۲۳

اکتبر ۱۹۲۳ تأسیس شد. این نخستین گام در جهت تأسیس یک دولت مدرن بود. او سلطنت عثمانی را در ۱۹۲۲ ملغی کرد و پشت سر آن به خلافت عثمانی پایان داد. آن زمان چشم‌انداز یک حکومت پارلمانی روشن نبود چون اتاتورک بر کل سیستم حکومتی کنترل داشت. او جایگاه سیاسی و روحی و شخصیت والایی داشت و تقریباً تنها فرد حاکم بر کشور بود. دولت تنها نقش معاونت او را بازی می‌کرد. پس از رفتن او در سال ۱۹۲۸ بود که مظاهر یک نظام پارلمانی آشکار و مقرر شد حزب برنده دولت تشکیل دهد. به این ترتیب مقام ریاست‌جمهوری به مقامی تشریفاتی تنزل پیدا کرد. از آن زمان نظام پارلمانی در ترکیه برقرار بوده است. با بروز برخی بحران‌ها به دلیل عدم هماهنگی بین احزاب – به‌ویژه زمانی که یک حزب واحد نمی‌توانست اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست آورد و مجبور می‌شد با سایر احزاب دولتی ائتلافی تشکیل دهد – اداره کشور دچار خلل می‌شد و اجرای

سیاست‌ها معوق می‌ماند. همچنین کنارکشیدن یک حزب از ائتلاف حاکم کافی بود تا دولت سقوط کند. برای مثال در ۲۰۱۵ حزب عدالت و توسعه حاکم نتوانست اکثریت لازم را به دست آورد و خود به‌تنهایی دولت تشکیل دهد. ازاین‌رو به دلیل افزایش احزاب مخالف از تشکیل دولت باز ماند و کشور را به سمت برگزاری انتخابات زودهنگام برد تا با کسب اکثریت آرا دولت تشکیل دهد و این یکی از مهم‌ترین آسیب‌های یک نظام پارلمانی است. درعوض نظام ریاست‌جمهوری این نکات منفی را ندارد. باین‌حال مشکل وقتی به وجود می‌آید که اختیارات زیادی در‌دست یک شخص یا همان رئیس‌جمهور گذاشته شود بدون اینکه نقطه توازن‌سی در مقابل دموکراتیک ترکیه حفظ شده است به گونه‌ای که نتذار یک قوه بر دیگران تسلط پیدا کند. به نظر می‌رسد ترکیه با این همه‌پرسی بعد از نزدیک به صد سال که از تأسیس جمهوری این کشور می‌گذرد دومین گام بلند را برخواهد داشت.

مسئولان حزب عدالت و توسعه می‌گویند چنین اقدامی می‌تواند این تضمین را بدهد که سیستم ریاستی پیش از سال ۲۰۱۹ امکان‌پذیر باشد. همچنین اعضای حزب عدالت و توسعه اعلام کردند: اگر شرایط غیرعادی؛ چه در ترکیه و چه در جهان اتفاق افتد، انتخابات زودهنگام برگزار خواهد شد. اگر انتخابات زودهنگام برگزار شود، در این صورت اجرای سیستم ریاستی بلافاصله بعد از برگزاری انتخابات امکان‌پذیر خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر، رئیس‌جمهور می‌تواند بعد از انتخابات از تمام اختیارات خود که در اصلاحات قانون اساسی ذکر شده است، استفاده کند. هرچند برخی از مقامات حزب عدالت و توسعه می‌گویند برگزاری چنین انتخاباتی مطرح نیست، اما سرمایه‌گذاران همچنان نسبت به تحولات بعد از همه‌پرسی تردید دارند.

منبع: رویترز عربی

ادامه از صفحه ۹

فقدان آگاهی، انتخابات را مناسبی می‌کند

موضوعی بود که می‌توانست مردم را با آن حزب برای انتخابات بعدی همراه کند. از طرف دیگر نقش آزادی مطبوعات را هم نباید نادیده گرفت. آنها می‌توانستند افکار عمومی را متجلی کنند و در شکل‌گیری آرای سیاسی مردم نقش داشته باشند، عیار ادعاهای دولت موجود و نمایندگان مجلس را با نقد و بررسی مشخص کنند و... اما در انتخابات‌هایی که پایه‌های دموکراسی وجود نداشته و در نبود احزاب مستقل و مطبوعات قدرتمند آزاد، ما شاهد آن هستیم که افرادی می‌آمده‌اند و با ادعاهای حیرت‌آور و پول‌خرج‌کردن و کارهایی از این دست، رأی جمع می‌کردند یا به عبارت دقیق‌تر رأی می‌خریدند. ما در دوره‌های مختلف تاریخی به کرات دیده‌ایم که وعده‌هایی از سوی کاندیداهای مطرح شده که نه‌تنها در چارچوب وظایف و اختیارات قانونی نماینده مجلس و... نبوده بلکه گاهی حتی کل پنبه سیاسی و اقتصادی کشور هم‌توان اجرایی‌کردن آن را نداشته است. اگر آن ادعاها و وعده‌ها را جمع‌آوری کرده بودیم، امروز کتاب طنز سیاهی داشتیم که همه از خواندنش حیرت می‌کردند.

ک اگر طرح این ادعاها وعده‌ها را محصول ناآگاهی مردم به حساب آوریم، در آن دوره‌های تاریخی مردم چطور می‌توانستند ناآگاهی به دست آورند؟ آیا جامعه این ظرفیت را داشته که ظرفیت آگاهی عمومی خود را افزایش دهد؟

ناآگاهی که نه، شاید بهتر است بگوییم کمبود آگاهی سیاسی و نگرش استراتژیک از عواقب نداشتن دموکراسی است. آگاهی عمومی نتیجه دموکراسی و مطرح‌شدن آرا و عقاید و نظرات گوناگون و فعالیت سازمان‌یافته حزبی و تشکلهای اجتماعی، افزایش میزان مطالعه، انتشار جراید آزاد و... است. همه جوامع ظرفیت و توانایی دستیابی به چنین کیفیتی را به صورت بالقوه دارند اما محقق‌شدن آن نیازمند امکانات لازم است. وقتی آگاهی عمومی رو به کاهش می‌گذارد، مشارکت در انتخابات هم بیشتر به صورت انجام عمل مناسکی می‌شود و نتیجه از پیش مشخص!

ک بیشتر در چه دوره‌ای؟

در دوره دیکتاتوری رضاشاه بیشتر با این پدیده روبه‌رو هستیم. بعد از اشغال ایران در شهریور ۲۰ و فروپاشی دیکتاتوری رضاشاه و انتشار آزادانه مطبوعات و تشکیل احزاب سیاسی و تشکلهای صنفی و اجتماعی شاهد رشد آگاهی عمومی البته عمدتاً در شهرها هستیم. در نتیجه، در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، شاهد یک انتخابات تقریباً آزاد در اوایل دوره پهلوی دوم هستیم و نمایندگان بی این مجلس فرستاده می‌شوند که نمایندگان افکار و گروههای مختلف‌اند و می‌شود گفت این دوره از مجلس، «آنچه خود داشت» جامعه سیاسی ایران را در خود دارد.

ک چرا با شک و تردیدهایی که وجود داشته، باز هم مردم سعی می‌کرده‌اند از حق خود استفاده کنند و بروند پای صندوق‌های رای؟

در دوره‌هایی با چنین سعی‌ای روبه‌رویم و در دوره‌هایی آن سعی ضعیف شده است. پس از اصلاحات ارضی میزان مشارکت روستاییان در انتخابات مجلس، بعد از انجمن‌های روستا و... بیشتر شد. در شهرها هم تقریباً چنین روندی روی داد. این امر ناشی از اجرای برنامه اصلاحات و رشد اقتصادی در آن دوره بود. اما به‌تدریج وقتی بخش درخور توجهی از نیروهای اجتماعی جامعه ایران در اوایل دهه ۵۰ به این نتیجه رسیدند که دیکتاتوری شاه مانع توسعه اقتصادی است، به تدریج از مشارکت در انتخابات خودداری کردند که این وضع هم‌زمان شد با شروع بحران اقتصادی در ایران. یکی از علل انحلال احزاب دولتی و تشکیل حزب رستاخیز تلاش بود برای مقابله با این روند. در اواسط دهه ۵۰ بخش درخور توجهی از جامعه شهری ایران به این نتیجه رسیدند که از طریق شرکت در انتخابات نمی‌توانند به هدف‌های خود دست پیدا کنند و به تدریج اعتماد خود را از دست دادند و کناره گرفتند. وقتی می‌دیدند که نمایندگان مجلس نمی‌توانند تغییری در وضع موجود و دولت دیگری تشکیل دهند و نمایندگان و دولت منافع آنها را در نظر نمی‌گیرند و سوءاستفاده مالی و سیاسی از قدرت گسترش یافته، امید خود را به انتخابات از دست دادند. در دهه ۵۰ عده کمی از مردم شهرنشین در انتخابات شرکت می‌کردند و در مقطعی حتی از طریق شرکت در انتخابات سعی می‌کردند به حکومت پیغام ناراضیاتی بدهند. در اواخر پهلوی در مواردی شاهدیم که آرای نفر اول مجلس شورای ملی حدود ۵۰ هزار رأی بوده، این نشان می‌دهد که مردم احساس می‌کرده‌اند از طریق شرکت در انتخابات نمی‌شود به معنای واقعی مشارکت در سرنوشت سیاسی خود دست یافت و نمی‌توانند تحولی در زندگی خود و کشور به وجود بیاورند. در جاهایی هم مردم احساس کردند باید پیغام ناراضیاتی خودشان را به صورت عملی به حکومت بدهند و حرکت سلبی داشته‌اند. یعنی به کاندیداهایی رأی می‌دادند که کاندیدی مورد نظر حکومت شاه نبود.

ک از تاریخ مشروطه، تا آغاز کرده‌ایم به شرکت در انتخابات به عنوان یکی از اولین قدم‌های حرکت به سوی دموکراسی بیشتر. آیا این روند برای دستیابی به یک جامعه دموکراتیک‌تر روند مثبتی بوده است؟ از انقلاب مشروطه به بعد، انتخابات گوناگونی داشته‌ایم؛ انتخابات

مجلس شورای ملی و در دوره‌هایی انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بعد از آن انجمن شهر و روستا. عموم این انتخابات به خاطر نبود پیش‌نیازهای لازم برای آن بیشتر صورت و ظاهر دموکراتیک نداشته‌اند، وقتی به منظور آزاد و احزاب مستقل اجازه فعالیت ندادند، انتخابات به عمل مناسکی تبدیل شد. مسئله اساسی که در بحث دموکراسی به آن اشاره می‌شود، موضوع تداوم و پایداری است. برگزاری انتخابات در حقیقت باید کمک کند که در یک پروسه زمانی مداوم، آگاهی عمومی افزایش پیدا کند، افراد دارای قدرت تشکلیابی شوند و ... اما وقتی در ایران شاهد احزاب انتخاباتی بوده‌ایم که به صورت فعلی کار خود را هم‌زمان با انتخابات شروع می‌کردند، مطبوعات زیر فشار و گرفتار محدودیت‌ها بودند و تشکلهای عمومی با موانع پرشماری بر سر راه خود مواجه بودند، نه‌تنها مردم از انتخابات کناره گرفتند بلکه بخشی از نیروهای سیاسی درصد برآمدن حکومت شاه را سرنگون کنند و گروه‌هایی از آنها دست به مبارزه مسلحانه با حکومت زدند.

ک تا به حال هر چه گفتم از گذشته بوده و تاریخ. وضع امروز ما چطور است آیا با وجود همه پیش‌فرض‌هایی که می‌دانیم و چالش‌هایی که هست، مردم ما «حق رای» و «حق انتخاب» را می‌شناسند و از آن استفاده درست می‌کنند؟

گفت‌وگوی ما تاریخی است و کاری به امروز نداریم. به طور کلی در صورتی که افراد به این نتیجه برسند که از طریق شرکت در انتخابات می‌توانند به آنچه مد نظر دارند برسند و تغییری در سرنوشت خود و جامعه‌شان به وجود آورند تا از بدترشدن اوضاع جلوگیری کنند، طبیعی است که در آن شرکت خواهند کرد. اساساً در همه اندیشه‌های سیاسی مدرن تأکید بر این است که مطلوب این است که تحولات جامعه به صورت مسالمت‌آمیز، آرام و در یک پروسه انجام شود. حتی لنین انقلابی معروف در فاصله انقلاب فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ روسیه تأکید می‌کرد که بهترین شکل تحول، تحول مسالمت‌آمیز است. وقتی که لنین چنین نظری دارد، معلوم است که محافظه‌کاران یا کسانی که اصلاح‌طلب‌اند، انتخابات را به عنوان روشی آرام و مطمئن برای دستیابی به اهداف خود می‌دانند.

منبع: الرابه